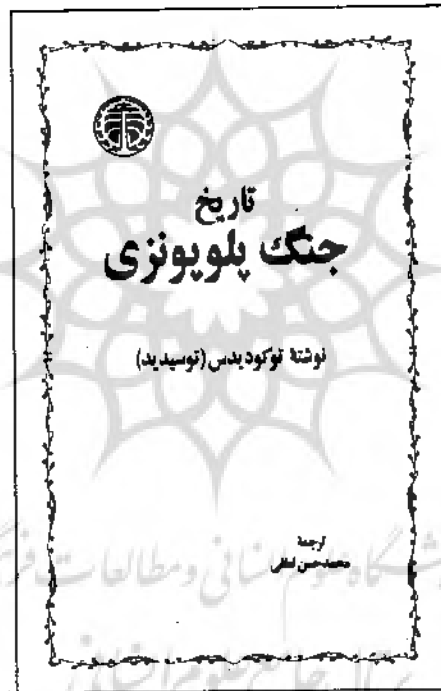


روایت کامل و مستندی از جنگ‌های پلوپونزی یونان در کتاب تاریخ جنگ پلوپونزی

- تاریخ جنگ‌های پلوپونزی
- تألیف: توکودیدس (توسیدید)
- ترجمه: محمدرحمن لطفی
- ناشر: خوارزمی تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷

کتاب تاریخ جنگ‌های پلوپونزی یکی از منابع بسیار مهم برای تاریخ یونان باستان است که در آن شرح مفصل جنگ‌های ۲۷ سالهٔ موسوم به پلوپونزی میان آتن و اسپارت و متحدان آنها گزارش شده است. این اثر با وجود ترجمه‌ها و چاپ‌های فراوان آن به زبان‌های اروپایی، تاکنون متن کاملی از آن به فارسی ترجمه نشده بود. اینک برای نخستین بار ترجمهٔ متن کامل آن از دو ترجمهٔ آلمانی و یک ترجمهٔ انگلیسی به همت مترجم و استاد فقید، مرحوم محمد حسن لطفی در اختیار محققان و تاریخ پژوهان ایرانی قرار گرفته است. هر چند این اثر راجع به شرق باستان نیست و عمدتاً به شرح جنگ‌های پلوپونز مربوط می‌شود، با این همه قسمت‌هایی از آن با تاریخ ایران پیوند می‌یابد، به ویژه در فرازهایی از آن سیاست دربار هخامنشی نسبت به یونانیان که گاه به آتن و گاه به اسپارت کمک می‌کرد و سیاستش بر تضعیف هر دو کشور قرار داشت روشن می‌گردد لازم به توضیح است که در شناسنامهٔ کتاب، تاریخ چاپ، دی ماه ۱۳۷۷ ثبت شده، لیکن توزیع آن به دلایلی نامعلوم تاکنون به عهدهٔ تعویق افتاده بود علی‌احمال از آنجا که کتاب در دی ماه ۱۳۷۸ به مؤسسهٔ «خانه کتاب» و در نتیجه به دفتر کتاب ماه رسیده است، فرصت را غنیمت شمرده نگاهی گذرایه آن افکنندیم:

پلوپونز یا پلوپونس یا پلوپونزوس شبه جزیرهٔ جنوبی یونان است که خود به شبه جزیره‌های متعدد تقسیم شده و میدان جنگ‌های آتن و اسپارت بوده است. این جنگ‌ها که ۲۰ سال پس از جنگ‌های ایران و یونان روی داد و به زوال قدرت آتن منتهی شد، ۲۷ سال (از سال ۴۳۱ تا ۴۰۴ ق. م) به طول انجامید که



علت اصلی آن را برتری آتن و تمدن درخشان آن می‌دانند که موجب حسادت مردم اسپارت شد.^۱ این جنگ‌ها در تعقیب جنگ‌های مادی (ایران و یونان) تفوق بحری آتن ایونی و دارای حکومت عامه (دموکراسی) بود چه بر ضد او ملل بزی بُری که دارای حکومت اشرافی بودند عصیان کردند و چند واقعهٔ فرعی از قبیل مداخلهٔ آتن در مشاجرات کرسیر و کرنس موجب برافروخته شدن آتش جنگ گردید، جنگ پلوپونز به سه مقطع تقسیم می‌شود. از ۴۳۱ تا ۴۲۱ ق. م: جنگ‌جویان متقابلاً سرزمین‌های طرف مقابل را خراب می‌کردند، بدون آنکه به نتیجهٔ قطعی برسند. این دوره با صلح نی‌سیاس که صلح را به مدت پنجاه سال تضمین می‌کرد (ولی در ۴۱۶ ق. م دوباره آتش جنگ شعله‌ور شد) به پایان می‌رسد. از ۴۱۶ تا ۴۱۳ دورهٔ دوم این جنگ است در این مدت اسپارتیان به صقلیه

(سیسیل) حمله بردند و جهازات بحری و سپاهیان آتنی را در مقابل سیراکوز شکست دادند و منهدم ساختند. دورهٔ سوم از ۴۱۲ آغاز می‌شود: آتنیان در مقابل ملیط (میله) واقع در سی‌زیک بر ارژینوزها غلبه کردند ولی اسپارتیان که با پول‌های دولت ایران تقویت می‌شدند لامپ ساک را تسخیر کردند و در اگس پتامس به سال ۴۰۵ پیروز شدند.^۲

بنابر این خصومتی که از تباین منافع حاصل شد بر ضدیت‌هایی که از دیرگاه بین یونانی‌ها وجود داشت افزود. چنانکه میتوان گفت، جنگ پلوپونز از سه سرچشمه آب می‌خورد: ۱- از اصطکاک منافع مادی ۲- از ضدیت قومی بین یونانی‌ها و دریانها (آتنی‌ها، یونانی و لاسه‌مونی‌ها دریانی بودند)، ۳- از میانیت حکومت ملی با اشرافی (که آتن نمایندهٔ اولی بود و اسپارت نمایندهٔ دومی).

اگرچه شرح جنگ‌های پلوپونز را مورخان دیگری همچون گزنفون، دیودور و ژوستین نیز نگاشته‌اند اما هیچ کدام وقایع این جنگ‌ها و روابط ایران و یونان و نقش و دخالت‌های دربار هخامنشی را در این مدت مدید مانند توسیدید روشن نکرده‌اند، به ویژه آنکه توسیدید خودش در مدت ۲۱ سال از آغاز جنگ در آن شرکت داشته یا شاهد قضا یا بوده است.

توکودیدس یا توسیدیداز بزرگترین تاریخ‌نویسان یونان است که در حدود سال ۴۶۰ ق. م. (به عبارتی ۴۷۱ ق. م) در آتن در خانواده‌ای اشرافی چشم به جهان گشود و در حدود سال ۳۹۵ ق. م. در گذشت. وی در جنگ‌های پلوپونزی شرکت داشته و در سال ۴۲۴ ق. م فرمانده بخشی از نیروی دریایی آتن در جنگ آمفیپولیس بوده است. لیکن دیری نگذشت که به علت دیر رسیدن به محل ماموریت خود او را متهم و از آتن تبعید کردند و بیست سال از وطن دور ماند. این مدت را توسیدید در تراکیا، در میان اقوام مختلفی که در جنگ‌های پلوپونزی مداخله داشتند به سر برد و به نگارش «تاریخ جنگ‌های پلوپونزی» پرداخت. در سال ۴۰۴ ق. م. حکم تبعیدش لغو شده است. اکثر قریب به اتفاق صاحب‌نظران در مورد بی‌طرفانه و عاری از هر گونه غرض بودن کتاب توسیدید متفق‌القولند. مترجم گرانقدر کتاب، روان شاد محمدرحمن لطفی در مقدمهٔ موجز و مفید خود پیشینه و روند تاریخ‌نویسی در یونان به طور کلی، همچنین اندیشه، شیوهٔ تاریخ‌نویسی، ارزش تاریخ‌نگاری، شرایط و اوضاع و احوال زمان حیات توسیدید و جنبه‌های دیگر کتاب او را چنین بیان نموده است: «... از گرایش به معتقدات دینی یونانی و شعر و قصه و داستان و ساده دلی و زود باوری هرودت در نوشتهٔ توکودیدس اثری نیست، و امور و داستان‌هایی که به معنی گسستگی جریان طبیعتند برای او اصلاً وجود ندارند، و آنجا که به مناسبتی سخن از این گونه داستانها و حتی پیشگوییهای اراکل پیش می‌آید توکودیدس از آنها با لحنی استهزاآمیز یاد می‌کند و همهٔ رویدادهایی را که در زمان او خارق‌العاده تلقی می‌شدند - مانند گرفتگی ماه و خورشید و طوفان و سیل و نظیر اینها - به علل طبیعی بر می‌گرداند توجه او در درجهٔ اول معطوف به عوامل سیاسی و نسبت‌های واقعی نیروهاست. او در

پس پشت وقایع تاریخی نیروهای محرک کلی، و اوضاع و احوال و روحیات اقوام، و مخصوصاً منافع دولتها را می جوید.

مرگ زودرس توکودیدس شاید در حدود پانجاه سالگی به او اجازه نداد اثر بزرگ خود را به پایان برساند و کسنوفون (۴۳۰ تا ۳۵۵ ق. م) دنباله کار او را گرفت و تاریخ یونان را نوشت ولی نشان داد که تا چه پایه از ژرفای اندیشه و وسعت دید سلف بزرگ خود بی بهره است و تا چه حد از دریافتن قانون قدرت و سیاست ناتوان است و با اعتقاد ساده دلانه به عدالت اخلاقی، چه سقوط اسپارت و چه تباهی آتن را، کیفر آسمانی غرور انسانی تلقی کرد. توکودیدس برخلاف هرودوت از تمامی دنیای شناخته شده آن زمان سخن نمی گوید بلکه افق ذهن خود را به منطقه نفوذ دولت شهر یونانی محدود می سازد ولی همین موضوع محدود را که آکنده از مسائل عظیم است با تمامی وجودش تجربه می کند و درباره آنها با عمقی اعجاب انگیز می اندیشد و مهمترین این مسائل ماهیت سیاسی است. او شهروند اشراف زاده آتنی زمان پریکلس (pericles) بود و در دورانی بسر می برد که در آن، فعالیت سیاسی برای آتینان جزء زندگی، و حتی خود زندگی بود. در آن زمان دولت شهر آتن یکباره با بحرانی بزرگ مواجه شده بود، ولی فرق آتن با کشورهای دیگر، این بود که آتن به شیوه دموکراسی اداره می شد و گروهی شایان توجه از متفکران سیاسی در آن زندگی می کردند و وظیفه خود می دانستند که آگاهی تاریخی به معنای تازه و با محتوایی تازه به وجود آورند و خود را مجبور می دیدند ضرورت تاریخی بحرانی را که قول جامعه بدان منجر شده بود کشف کنند. بدین جهت آتن آن روزگاران آکنده از بحث ها و گفت و گوها درباره ژرفترین مسائل زندگی انسانی بود و سوفسطائیان نامدار و بزرگ مردانی مانند سقراط و اریستوفانس در این بحث ها و کاوش ها شرکت داشتند.

توکودیدس در دامن چنین محیطی بار آمده بود و در میان آن زندگی می کرد و در جنگ بزرگ میان آتن و دولتهای پلپونزی - که به جنگ سی ساله معروف است - یکی از فرماندهان نیروی دریایی آتن بود. او با اینکه به احتمال بسیار یادداشت هایی را که برای نوشتن تاریخ جنگ آماده ساخته بود پس از پایان جنگ منظم ساخته و به صورت کتاب در آورده است، نوشتن یادداشتها را، چنانکه خود در آغاز کتابش می گوید، با شروع جنگ آغاز کرده است... به عقیده او وظیفه تاریخ، بخشیدن تجربه سیاسی است نه محتوای اندیشه های دینی یا اخلاقی یا فلسفی، و سیاست دنیایی است که قوانین درونی خاص خود را دارد و یگانه راه دستیابی به این قوانین این است که واقعیات تاریخی را نه تک به تک، بلکه به عنوان جزئی از فرایندی مداوم بیازماییم، با این همه توکودیدس هرگز مانند فیلسوفان، نظریه ای کلی اظهار نمی کند، بلکه ضرورت سیاسی هر واقعه ای را از طریق تشریح مستقیم و مجسم نمودن آن واقعه نمایان می سازد و یکی از وسایل مجسم ساختن وقایع، نقل گفتارهای متعدد از اشخاص گوناگون در بخشهای مختلف کتاب است و همین خود یکی از ویژگی های عمده تاریخ نویسی اوست... به عقیده او

خدایان اثری در فرایند تاریخ ندارند بلکه جریان تاریخ را طبیعت انسانی و مخصوصاً اشتیاق به قدرت - و گاهی تصادف - معین می کند و نویسنده کتاب می گوید نیروهای مؤثر در تاریخ و محرک های سیاستمداران را نشان دهد و در عین حال می خواهد ماهیت شعارهای سیاسی و نسبت مسلک به واقعیت را در سیاست روشن کند... توکودیدس به وسیله گفتارها، اندیشه های خود را بیان می کند، بی آنکه شخص خود را در برابر چشم خواننده قرار دهد؛ در تاریخ او حکایت هر واقعه، با تفکر درباره آن واقعه، قرین است و او لازم می بیند که علت حقیقی هر رویداد و هر بحران را از علائم و مظاهر آن متمایز سازد و بدین سان مسئله را از حوزه قانون و اخلاق بدر آورد و به آن جنبه عینی ببخشد. بارها تکرار می کند که تاریخ اقوام و افراد تکرار می شود زیرا که طبیعت آدمی همیشه همان است و همیشه به یک منوال باقی می ماند و این سخن او یکی از مظاهر اندیشه یونانی است که همیشه روی در شناخت کلی دارد.

توکودیدس پس از پایان جنگ، به منظم ساختن یادداشت های خود و نوشتن تاریخ جنگ پرداخته است ولی گویا به علت مرگ زودرس نتوانسته است تاریخ خود را به اتمام برساند. به طوری که تاریخ یکباره در سال ۴۱۱ ق. م، یعنی هفت سال قبل از وقایع پایان جنگ قطع می شود ولی کتاب پنجم، بند ۲۶ نشان می دهد که او به هر حال سال ها پس از ۴۱۱ ق. م مشغول نوشتن تاریخ خود بوده است. از سبک کتاب هشتم پیداست که این کتاب اخیر را ناشر تاریخ پس از مرگ او با بهم پیوستن یادداشت هایی پدید آورده است. تقسیم تاریخ به هشت کتاب و هر کتاب به بندهای متعدد، از توکودیدس نیست. این کار در دوره یونانی مابسی پس از درگذشت اسکندر، به دست محققان اسکندرانی، صورت گرفته است.^۳

همانطور که ذکر شد، مطالب تاریخ توسیدید در هشت «کتاب» تقسیم بندی شده که عمده ترین مطالب و سر فصل های آن به شرح زیر است: نویسنده در کتاب اول از اهمیت جنگ حاضر (پلپونزی) و وقایعی که منجر به جنگ شد سخن می گوید کتاب دوم شامل وقایع سال های اول، دوم و سوم جنگ است. در کتاب سوم حوادث سالهای چهارم تا ششم جنگ شرح داده شده و کتاب چهارم به گزارش وقایع سال های هفتم تا نهم جنگ اختصاص دارد. در کتاب پنجم حوادث سالهای دهم تا شانزدهم جنگ پی گیری می شود. در کتاب ششم از لشکر کشی آتینان به سیسیل (۴۱۵-۴۱۳ ق. م) و رویدادهای سالهای هفدهم و هجدهم جنگ سخن به میان آمده است. کتاب هفتم وقایع نوزدهمین سال جنگ را در بردارد و کتاب هشتم متضمن حوادث مربوط به سالهای بیستم و بیست و یکم جنگ است.

فرازهایی از مطالب کتاب هشتم به دلیل ارتباط بیشتر با ایران عصر هخامنشی در اینجا ذکر می شود: آغاز دخالت ایرانیان، اسپارتیان در ایوبی، پیمان اتحاد شاه ایران با اسپارت، سقوط دموکراسی و برقراری حکومت اشراف در آتن (۴۱۱ ق. م)، سومین پیمان ایران با اسپارت، سقوط حکومت اشراف در آتن، افتادن اوبویا

به دست اسپارت، پیروزی سپاه آتن در کونوسما. لازم به توضیح است کتاب مورد معرفی که در ۵۲۳ صفحه فراهم آمده، با فهرست مندرجات، فهرست جزئیات وقایع جنگ پلپونزی و یادداشت مترجم آغاز می شود. نگاه متن اصلی کتاب توسیدید ذیل هشت «کتاب» آمده است و در خاتمه فهرست راهنما مندرج است بدین ترتیب بایستی پیوستن یکی از منابع دست اول تاریخ یونان را به جمع کتابهای تاریخ تبریک گفت و از تلاش و اهتمام تحسین برانگیز مترجم آن تقدیر و تشکر نمود. در خاتمه ضمن ادای احترام به تلاش های مترجم فقید، استاد محمدحسن لطفی در ترجمه آثار سترگ پیرامون فلسفه و تاریخ یونان باستان به فارسی، در زیربستی از آثار ترجمه شده آن روان شاد برای استفاده بیشتر ارائه می گردد.

● آغاز و انجام تاریخ، کارل یاسپرس، محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، چاپ اول ۱۳۳۶، چاپ دوم ۱۳۷۴.

● آگوستین، کارل یاسپرس، محمدحسن لطفی،

تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۳

● دوره آثار افلاطون، تهران، خوارزمی، چاپ اول

۱۳۶۴، چاپ دوم ۱۳۶۷

● خاطرات سقراطی، کسنوفون، محمدحسن

لطفی، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۴

● افلاطون، کارل بورمان، محمدحسن لطفی،

تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۵

● اسپینوزا: فلسفه، الهیات و سیاست، کارل

یاسپرس، محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو، چاپ اول

۱۳۷۵، چاپ دوم ۱۳۷۷، چاپ سوم ۱۳۷۸

● متفکران یونانی، تئودور گمپرتس، محمدحسن

لطفی، تهران، خوارزمی، چاپ اول ۱۳۷۶

● پاییدی، ورنریگر، محمدحسن لطفی، تهران،

خوارزمی، چاپ اول ۱۳۷۶

● فرهنگ رنسانس در ایتالیا، یا کوب بورکهارت،

محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۷

● گفتارها، نیکولو ماکیاولی، محمدحسن لطفی،

تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۷

● سماع طبیعی، ارسطو، محمدحسن لطفی، تهران،

طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۸

● مابعدالطبیعه، ارسطو، محمدحسن لطفی، تهران،

طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۸

● اخلاق نیکوماخوس، ارسطو، محمدحسن لطفی،

تهران، طرح نو، چاپ اول، ۱۳۷۸

● تاریخ جنگ پلپونزی، توسیدید،

محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۸

پی نوشتها:

۱- مستحق: حسینعلی: کلیات تاریخ عمومی، ج ۱، تهران، دانشگاه شهیدبهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۰، ص ۳۱۲. دولاندن، ش: تاریخ جهانی، ترجمه احمدبهمنش، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ص ۱۲۶.

۲- فرهنگ معین، ذیل لغت پلپونزی

۳- توکودیدس (توسیدید): تاریخ جنگ پلپونزی، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۱۷، ۲۳، مقدمه مترجم.